



سیر تکاملی، مفاهیم و اهداف

ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی

● مهندس حسین شعبانعلی فمی

مقدمه

یکی از وظایف خطیر برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه روستایی، یافتن رهیافتها و راهبردهایی است که بتواند مشکلات این بخش را به نحو مطلوبتری برطرف سازد. بر این اساس در طول دهه‌های گذشته، رهیافتهای متعددی مطرح و به کار گرفته شده است. یکی از این موارد که در سطح وسیعی مورد استفاده قرار گرفته، رهیافت یا مدل توسعه از بالا به پایین^۱ است. این رهیافت که از برنامه‌ریزی متمرکز در سطح ملی و آماده‌سازی آن برای اجرا در سطح محلی دفاع می‌کند، به طور طبیعی باعث به وجود آمدن یک شکاف ارتباطی^۲ بین روستاییان و برنامه‌ریزان می‌شود، همچنین به دلیل عدم دخالت دانش محلی یا بومی^۳ و سایر تواناییها و خلاقتهای روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی، به مرور زمان شرایط ایستا و راکد از نظر ارتباطی بر این رهیافت حاکم شده و به عنوان یک اصل غیرقابل تغییر پذیرفته می‌شود. بازتاب این مشکل به زودی در عدم کارایی برنامه‌های توسعه از یک سو و عدم ظهور و بروز تواناییهای بالقوه از سوی دیگر نمود پیدا می‌کند.

مدارک و شواهد حاصل از تجربیات وسیع جهانی بخصوص در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهند که رهیافت بالا به پایین، در یافتن راه‌حل مشکلات روستایی از قبیل فقر، بیکاری، نابرابری، مهاجرت، فرسایش منابع طبیعی و نابودی منابع تولید با شکست مواجه شده است و نشان داده است که این رهیافت در کار توسعه

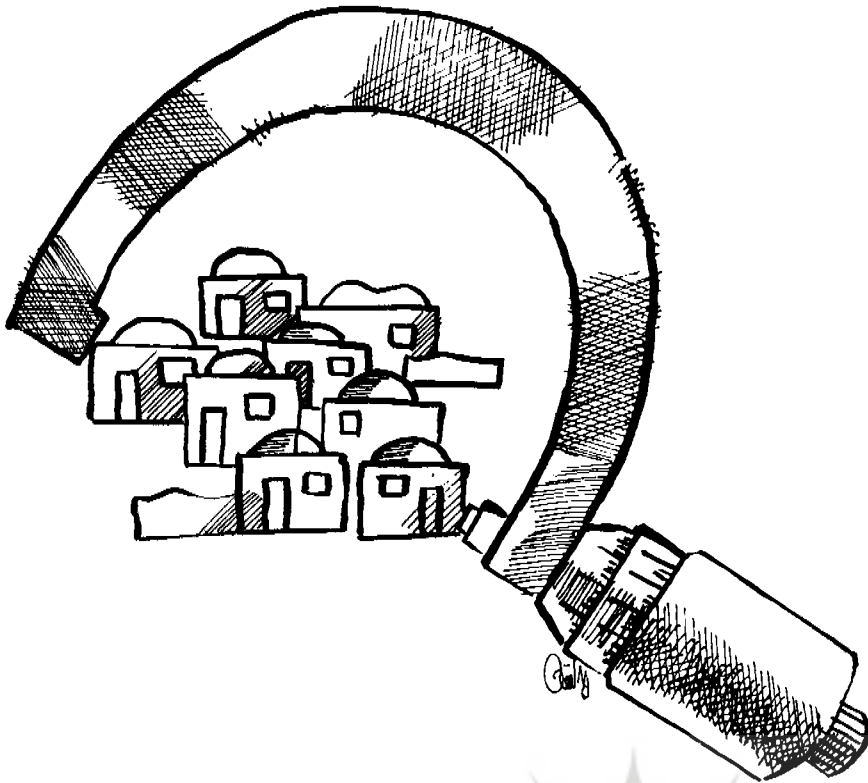
روستایی واقع‌گرا، پایدار و درازمدت نیست. به عنوان مثال رهیافتها و مدل‌های سنتی در توسعه روستایی و بخصوص توسعه کشاورزی باعث افزایش تولید در مناطقی شدند که از نظر منابع طبیعی غنی بوده و دارای محیط طبیعی و اقتصادی - اجتماعی یکنواخت و مشابهی هستند. منافع انقلاب سبز عمدتاً نصیب کشاورزان ثروتمند و مناطق غنی از نظر منابع شد. این برنامه نتوانست مشکلات کشاورزان فقیر را که در محیطهای پیچیده و متنوع زراعت می‌کردند، حل نماید و به این ترتیب شکاف بین کشاورزان فقیر و غنی در مناطق اجرای پروژه بیشتر شد. نتیجه این تجربه‌ها، دگرگونی در پندارهای نادرست گذشته در مورد رهیافت متعارف^۴ از بالا به پایین بود. سیاستگذاران به زودی دریافته‌اند که برنامه‌های توسعه روستایی باید از رهیافتی پیروی کند که ضمن تأمین اهداف مورد نظر در سطح ملی، باعث ایجاد تحرک و پویایی در جامعه روستایی شود تا در آینده این گونه جوامع برای انتقال به مرحله نوین توسعه‌یافتگی آماده شوند. امروزه اعتقاد بر این است که رهیافت مشارکتی توسعه روستایی از جمله رهیافتهایی است که می‌تواند این پویایی را در جامعه روستایی به وجود آورد و باعث ایجاد تغییرات مطلوب و پایدار در جامعه راکد و ایستای روستایی شود. در میان زمینه‌های متنوع و گوناگون توسعه کشاورزی و روستایی، یافتن رهیافت و روش‌شناسی مناسب تحقیق^۵ از جایگاه ممتاز و مهمی برخوردار است، زیرا کارایی نظام توسعه روستایی تا حد زیادی در گرو عملکرد

موفقیت‌آمیز زیربخش مطالعات و تحقیقات مربوط به آن است. یکی از مشکلات کشورها در این خصوص، چگونگی دستیابی به اطلاعات اولیه مطمئن و معتبر، روش مناسب جمع‌آوری داده‌ها، تجربه و تحلیل و سپس به کارگیری آنها در فرایند توسعه روستایی است. در گذشته روش‌شناسی‌های گوناگونی جهت پاسخگویی به نیازهای مطرح در آن زمان طراحی و به کار گرفته شده است. اما به مرور زمان شرایط و نیازهای جدیدی مطرح شده که پاسخگویی به آنها با روشهای قدیمی دیگر امکان‌پذیر نیست. بنابراین در دو دهه اخیر روش‌شناسیهای متعددی در کار تحقیقات توسعه، بویژه توسعه روستایی و کشاورزی معرفی شده است. هر چند ادعای روشهای جدید بر این است که با ابزار قویتر و نیرومندتری وارد عرصه شده و قادرند بسیاری از مشکلات را که در گذشته غیرقابل حل جلوه می‌کردند، حل نمایند، ولی روشهای متعارف تحقیق را نیز به طور کلی نفی نکرده، بلکه ضمن دفاع از یک چشم‌انداز و نگرش بین‌رشته‌ای^۶ و نظام‌دار، به کارگیری ترکیبی از روشهای قدیم و جدید را توصیه می‌کنند. یعنی همان چیزی که "میکلسن" (Mikkelsen, 1997) از آن به "کثرت‌گرایی روش‌شناسی"^۷ نام می‌برد. امروزه رهیافت بالا به پایین جای خود را به روشهای جدید با مفاهیم بدلی مانند "گفتگوی دو‌جانبه"^۸، "انعطاف‌پذیری"^۹ و "روشهای مشارکتی"^{۱۰} داده است. این روشها - چه آنها که جدید هستند و چه آنها که تعدیل یافته رهیافتهای

متعارف هستند - همگی منعکس کننده ادراکات دگرگون شده‌ای از روابط بین شمال - جنوب و افراد داخل - خارج^{۱۱} از جامعه هستند.

مشکلات روش متعارف تحقیقات در توسعه روستایی

یکی از مهمترین روشهای مطالعاتی در کار توسعه روستایی، روش پژوهش پیمایشی^{۱۲} از طریق پرسشنامه است. سازمانها و مؤسسات کشاورزی و توسعه روستایی در طی سالهای متمادی از این روش برای بررسی خانوار، سرشماری عمومی کشاورزی و اهداف دیگر استفاده کرده‌اند. در این روش تعدادی از مردم به عنوان نمونه برگزیده شده و یک سری سؤالات مشخص در قالب پرسشنامه از آنها پرسیده می‌شود. سپس بر مبنای پاسخهای دریافتی، تجزیه و تحلیل نهایی و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد. این روش که در بررسیهای توسعه روستایی به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارائه‌کننده یک تصویر ناقص از جامعه مربوطه بوده و همواره راه‌حلهای یکسانی پیشنهاد می‌کند. مطالعات اخیر حاکی از آن است که روش پژوهش پیمایشی، روشی ساده و ابتدایی برای درک روابط پیچیده جامعه روستایی بوده و موفقیت آن در بسیاری از موارد ناچیز است. این روش به تنهایی قادر به شناخت متغیرها و عوامل متعدد، متنوع و پیچیده دخیل در زندگی روستایی نیست. هدف اصلی این نوع تحقیق از درک افراد خارج از روستا (محقق) از موفقیت و مشکلات روستاییان تبعیت می‌کند و درک واقعی مشکلات روستایی از زبان مردم محلی در آن جایی ندارد. در این نوع تحقیق، محقق به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات و همچنین برای کنترل خطای حاصل از پرسشگری حضور کوتاه مدتی در جامعه روستایی دارد. در این مدت کوتاه، قوانین و تضادها عمومی و کلی از جامعه مورد مطالعه ترسیم می‌شود که کارایی ناچیزی در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری دارد. (Pretty, et al., Mukherjee, 1993) مشکل دیگر آنجا ناشی می‌شود که افراد مختلف ادراکات متفاوتی نسبت به موضوع توسعه دارند و هر گروه از مدل خاصی برای کد دادن، سازماندهی و تفسیر کردن مفاهیم و دانسته‌های



توسعه از رهیافت یا مدل برون‌زا^{۱۳} پیروی کنند، از موفقیت‌چندانی برخوردار نخواهند شد. کارایی برنامه‌های توسعه روستایی بشدت وابسته به کاهش شکاف بین برنامه‌ریزان و سیاستگذاران از یک سو و روستاییان از سوی دیگر است. بخشی از این شکاف از طریق درک درست و ارزشگذاری مناسب دانش بومی، برقراری حس تفاهم و همکاری و استفاده از روشهای مناسب ارتباطات پر می‌شود.

“چمبرز” (Chambers, 1991) معتقد است که گرایش و تمایلی عمومی وجود دارد که تنوع جوامع روستایی تنها بر اساس زمان، مکان، جنسیت، سن و گروههای قومی در نظر گرفته شود. این تمایل مانع از درک و ثبت اختلافات و تنوع جوامع گوناگون روستایی می‌شود. بنابراین تصویر حاصل از این معیارهای استاندارد شده، برای تشخیص مشکلات روستایی، ناقص، ساده و گویای کلیت و تمامیت مشکل نیست. لذا رهیافت متعارف پژوهش، ارزیابی کاملی از توانایی مردم روستایی به دست نمی‌دهد و دانش، خلاقیت و شایستگیهای آنان را در معرفی و تجزیه و تحلیل اطلاعات پیچیده نادیده می‌گیرد. این موضوع سبب شده تا در طول دو دهه گذشته، روش متعارف پژوهش توسط بسیاری از

خود استفاده می‌کند. (Khon Kaen University, Mukherjee 1987) به اعتقاد “موخرجی” (Mukherjee 1993) موضوعی که برای یک فرد یا گروه مهم می‌باشد، ممکن است از نظر دیگران بی‌اهمیت تلقی شود. افرادی که در رأس امور هستند، معمولاً منطق خود را بر مبنای نگرش کلی از توسعه پایه‌گذاری می‌کنند و نه بر مبنای برداشتها و نگرشهای افرادی که برنامه‌ریزی برای آنها صورت می‌گیرد. ارزشیابی آنها از نیازها و اولویتهای، بر اساس ادراکات خود و نه مردم روستایی است. از این رو در مدل‌های متعارف تحقیقات توسعه روستایی، اعتقادات، باورها، نگرشها و ارزشهای مردم محلی کسور درک می‌شود.

در اکثر مواقع معیارهای توسعه توسط برنامه‌ریزان معرفی و ارائه می‌شود. اما سؤال اساسی این است که چقدر این معیارها با شرایط پیچیده و خاص زندگی روستاییان و مردم محلی سازگار است. چگونه این معیارها با شاخصهای به کار گرفته شده توسط روستاییان که بر اساس دانش بومی خودشان به وجود آمده، منطق می‌باشد. شاخصهایی که در طول سالها بیانکننده درک، نیازها و خواسته‌های آنان از برنامه‌های توسعه است. بنابراین مادامی که برنامه‌های

متخصصان و کارشناسان مورد انتقاد قرار گیرد. (Chambers, 1983 & Fowler et al., 1990 & Rhoades, 1990 & Gill, 1993)

در این نوع تحقیق که گاهی از آن به عنوان "سفر یا سیاحت توسعه روستایی"^{۱۴} نیز نام برده می‌شود، ارببهای (تورشها یا تحریفها) متعددی شناسایی شده که باعث هدایت نامناسب و نادرست کارگزاران توسعه روستایی شده است. چمبرز (Chambers, 1983) این ارببها را به نحو مطلوبی در چهار دسته طبقه بندی کرده است:

۱- ارببهای فضایی^{۱۵}: در اینجا مردم مرفه و ثروتمند که در روستاهای کنار جاده اصلی، مسیرهای اصلی داخل روستا یا نزدیک خدمات رفاهی روستا زندگی می‌کنند، بیشتر مورد ملاقات قرار گرفته و مردم فقیرتر که عمدتاً در مناطق دورتر و در حاشیه فرار دارند، فراموش می‌شوند.

۲- ارببهای زمانی^{۱۶}: در اینجا اکثر بازدیدها در طی فصلها یا ماههایی صورت می‌گیرد که جاده‌ها باز می‌باشند. این بازدیدها همچنین در اکثر مواقع، در ساعاتی از روز اتفاق می‌افتد که مردم سرگرم کارهای جاری و روزمره خود در مزارع هستند.

۳- ارببهای مردمی^{۱۷}: در اینجا کارگزاران توسعه، تنها با رهبران محلی روستا و مردمی که متعلق به طبقه ثروتمند و نجبان روستایی هستند، تماس می‌گیرند.

۴- ارببهای پروژه‌های^{۱۸}: در اینجا تنها پروژه‌های موفق یا روستاهای نمونه به محیط خارج از روستا معرفی می‌شوند. به طوری که برداشت عمومی این است که این نمونه‌ای گویا و کوچک از تلاشهای انجام شده است. به عنوان مثال معرفی یک پروژه کوچک موفق از یک منطقه بزرگ محروم، این نکته را القا می‌کند که این نمونه معرف شرایط عمومی حاکم بر منطقه است.

مشکلات موجود در روش شناسی متعارف تحقیقات روستایی، دانشمندان و کارگزاران توسعه روستایی را وادار کرد تا در جستجوی رهیافتی مناسبتر و واقع‌گرایانه‌تر در مطالعه مشکلات و نیازهای جامعه روستایی باشند. رهیافتی که بهتر بتواند چهره واقعی جامعه روستایی را از هر نظر ترسیم نموده و عاملی در

روشهایی مانند تحقیق نظام مزرعه‌ای و زراعی، پیمایش اکتشافی و ارزیابی سریع روستایی نمونه‌هایی از رهیافتهای نوین تحقیق در مسائل روستایی هستند که تلاش عمده آنان برای درک مشکلات کشاورزان و روستاییان فقیر و افزایش کیفیت گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشند.

مطالعات اخیر حاکی از آن است که روش پژوهش پیمایشی، روشی ساده و ابتدایی برای درک روابط پیچیده جامعه روستایی بوده و موفقیت آن در بسیاری از موارد ناچیز است. این روش به تنهایی قادر به شناخت متغیرها و عوامل متعدد، متنوع و پیچیده دخیل در زندگی روستایی نیست.

جهت بهبود کار برنامه‌ریزی و سیاستگذاری روستایی باشد. روشهایی مانند تحقیق نظام مزرعه‌ای و زراعی^{۱۹}، پیمایش اکتشافی^{۲۰} و ارزیابی سریع روستایی^{۲۱} نمونه‌هایی از رهیافتهای نوین تحقیق در مسائل روستایی هستند که تلاش عمده آنان برای درک مشکلات کشاورزان و روستاییان فقیر و افزایش کیفیت گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد. به منظور ارتقاء کارایی تحقیق و افزایش واقع‌گرایی و واقع‌سنجی در سطح میدانی، این روشها از دهه ۶۰ میلادی وارد حوزه کار مطالعات توسعه روستایی شد و پژوهشگران سعی کردند به نحو مسلوب‌تری شرایط اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی جامعه روستایی را به تصویر کشیده و معرفی نمایند. حاصل تکامل و تلفیق روشهای

متعدد در این زمینه، روشی به نام "ارزیابی مشارکتی روستایی"^{۲۲} است که در طول دهه گذشته اساس کار بسیاری از سازمانهای دولتی و غیردولتی توسعه روستایی در سطح جهان بوده و در بعد گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است.

روش ارزیابی سریع روستایی یا ارزیابی مشارکتی روستایی

در دهه ۷۰ میلادی و به دنبال مشکلات شناخته شده در روشهای متعارف تحقیقات توسعه روستایی، روشی با عنوان "ارزیابی سریع روستایی" معرفی شد که متأثر از روشهای دیگر، بویژه تحقیق نظام مزرعه‌ای بود. برخی از پیشگامان این روش شناسی جدید عبارت بودند از "روبرت چمبرز" (Robert Chambers)، "پیتر هیلدبرند" (Peter Hildebrand)، "روبرت رودس" (Robert Rhoades) و "مایکل کولینسون" (Michael Collinson). این افراد همراه با تعداد دیگری از کارشناسان مسائل توسعه روستایی در کنفرانسهایی در مؤسسه مطالعات توسعه واقع در انگلیس در اکتبر ۱۹۷۸ و دسامبر ۱۹۷۹ شرکت کرده و این مفهوم جدید را ارائه نمودند. (Mukherjee, 1993)

در باره علل ظهور این روش جدید، مطالب زیادی گفته شده و دلایل ذیل به عنوان عوامل اصلی ابداع، رشد و توسعه این روش معرفی شده‌اند:

۱- مشکلات ناشی از ارببهای (تورشها) اشاره شده، بخصوص در برنامه فقرزدایی "روش سیاحت توسعه روستایی". این ارببها در واقع بازگو کننده این مشکل بودند که بازدیدهای کوتاه‌مدت کارشناسان و کارگزاران شهری، مانع شناخت واقعی فقر و محرومیت و نیازهای مناطق روستایی است.

۲- رهایی از این پندار که فرایند زمینه‌یابی پرسشنامه‌ای، کاملاً مناسب بررسیهای روستایی است. زیرا تجربه‌های حاصله گویای این نکته بود که روشهای زمینه‌یابی میدانی که بر مبنای پرسشگری از طریق پرسشنامه قرار دارد برای محققان طولانی و خسته کننده بوده و نتایج آن کمتر منعکس کننده واقعیتهای درونی جامعه روستایی است.

۳- افزایش درک عمومی نسبت به ارزش و اهمیت دانش بومی روستاییان، که نشان می‌داد روستاییان منبع سرشار دانش غنی بومی بوده و بهتر از هر فرد دیگری شرایط زندگی و محلی خود را می‌شناسند. برخی از صاحب‌نظران از این دانش تحت عنوان "دانش بومی فنی"^{۲۳} نام برده‌اند. (Chambers, 1992) در یک بررسی دیگر توسط چمبرز و گویجت (Chambers and Guijt, 1995) دلایل ذیل به عنوان عوامل بروز روش ارزیابی سریع روستایی معرفی شده‌اند.

۱- اجتناب از مشکلات روش زمینه‌یابی رسمی، گرانقیمت و زمان‌بر، زیرا در تحقیقات زمینه‌یابی رسمی، بخشی از داده‌ها غیرمفید و به دلیل عدم مشارکت فعالانه روستاییان، چندان معتبر، مناسب و صحیح نمی‌باشد.

۲- اجتناب از خطرات روشهای زمینه‌یابی سیاحتی در توسعه روستایی که به دلیل پیروی از شیوه باز دیدهای کوتاه و عجولانه، تصویر ناقصی از زندگی روستایی ارائه می‌کند.

۳- غلبه بر مشکلات موجود در روشهای زمینه‌یابی متعارف مشکلاتی مانند تأکید بر داده‌های کمی و ظاهری و فراموشی اطلاعات تحلیلی و کیفی، سروکار داشتن با افراد روستایی از طریق مدل از بالا به پایین و عدم بررسی مشکلات مناطق روستایی دورافتاده و طبقه محرومتر روستایی

۴- تشویق و ترفیق مشارکت مردم محلی در فرایند توسعه از طریق بررسی پیشنهادها و نگرشهای گوناگون محلی که در نهایت منجر به تواناسازی آنان می‌شود. (Feyera, et al, 1997)

از آن زمان تاکنون، روش ارزیابی سریع روستایی توسط افراد مختلفی تعریف و توصیف شده است. در یک تعریف آمده است: "ارزیابی سریع روستایی یک فرایند یادگیری در باره شرایط روستایی در یک قالب و سبک فشرده، نظام‌دار، قابل تکرار و سریع می‌باشد که توسط یک تیم تخصصی چند رشته‌ای و اعضای جامعه مورد نظر در آن جامعه به اجرا درمی‌آید. (Grady, et al., 1991; Fegera, 1997). در یک توصیف عمومی، این روش دربرگیرنده هر فعالیت نظامداری است که به منظور استنتاج، نتیجه‌گیری، طرح فرضیات یا سنجش مسائل روستایی در یک

ارزیابی سریع روستایی یک فرایند یادگیری در باره شرایط روستایی در یک قالب و سبک فشرده، نظام‌دار، قابل تکرار و سریع می‌باشد که توسط یک تیم تخصصی چند رشته‌ای و اعضای جامعه مورد نظر در آن جامعه به اجرا درمی‌آید.

به منظور ارتقاء کارایی تحقیق و افسزایش واقع‌گرایی و واقع‌سنجی در سطح میدانی، این روشها از دهه ۶۰ میلادی وارد حوزه کار مطالعات توسعه روستایی شد و پژوهشگران سعی کردند به نحو مطلوبتری شرایط اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی جامعه روستایی را به تصویر کشیده و معرفی نمایند.

دوره زمانی کوتاه به اجرا درمی‌آید. این روش در نهایت به دنبال ارتقا درک و شناخت از شرایط روستایی با تأکید ویژه بر کسب دانش محلی و ترکیب آن با دانش مدرن و تخصصی است. (Fegera, 1997)

به عنوان یک روش شناسی جدید در توسعه کشاورزی و روستایی، روش ارزیابی سریع روستایی اهداف ذیل را در برنامه کار خود قرار داده است:

- ۱- ارزیابی نیازهای کشاورزی و سایر نیازهای جامعه روستایی
- ۲- اولویت بندی زمینه‌های تحقیقاتی مرتبط با این نیازها
- ۳- بررسی عملی نمودن یا امکان‌پذیری طرحهای عملیاتی و تحقق اهداف و نیازهای توسعه
- ۴- اجرای طرحهای عملیاتی، نظارت و ارزشیابی آنها (Mukherjee, 1993)

بررسیهای بعدی نشان داد که تنها سرعت بخشیدن به کارگردآوری داده‌ها کافی نیست، بلکه باید فرصت بیشتری به مردم روستایی داده شود تا بتوانند اطلاعات مورد نیاز زندگی خود را پس از گردآوری تجزیه و تحلیل کرده و براساس آن عمل نمایند. به منظور تأمین این هدف در اواخر دهه ۸۰ میلادی روش شناسی دیگری که در واقع شکل تکامل یافته ارزیابی سریع روستایی بود، با عنوان "ارزیابی مشارکتی روستایی" پا به عرصه ظهور گذاشت. پیش از این در ارزیابی سریع روستایی افراد خارج از روستا، پس از جمع‌آوری اطلاعات، آن را تجزیه و تحلیل کرده و ارزیابی می‌کردند. در حالی که در روش ارزیابی مشارکتی روستایی تأکید بر تواناسازی مردم روستایی جهت تبادل، ارتقاء و تحلیل دانش خود از شرایط زندگی و محل سکونتشان و همچنین استفاده از آن در برنامه‌ریزی و عمل می‌باشد. در واقع این روش مشوق مشارکت فعالانه‌تر روستاییان بوده و به آنها تنها به عنوان عاملان کمکی گردآوری داده‌ها نگاه نمی‌شود. آنها از طریق مشارکت در این فرایند تواناسازی، قدرت لازم را جهت گردآوری، تفسیر و به‌کارگیری اطلاعات برای بهبود زندگی خویش کسب می‌کنند. مزیت دیگر این روش این است که محققان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران شناخت بهتر و واقع‌گرایانه‌تری نسبت به مسائل توسعه روستایی پیدا می‌کنند تا بتوانند نتایج بهتر و مفیدتری را به دست آورند. بنابراین هر چند بین دو روش ارزیابی سریع روستایی و مشارکتی شباهتهایی وجود دارد، ولی این دو شیوه در اهداف یکسان نمی‌باشند. ارزیابی سریع روستایی به عنوان ابزاری در دست افراد خارج از جامعه محلی است که از طریق آن، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده و به خارج از محیط بومی منتقل می‌شوند و سپس بر حسب نیاز از آن در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. اما روش ارزیابی مشارکتی روستایی صرفاً ابزاری جهت گردآوری اطلاعات مناسب، صحیح و بموقع نیست، بلکه فرایندی برای تواناسازی مردم محلی است تا ضمن بروز قابلیت‌های دانش محلی، از آن در جهت تحول زندگی شخصی و محیط اجتماعی خویش بهره ببرند. روپرت چمبرز (Chambers, 1992) تفاوت بین این دو روش را به نحو مناسبی

از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده است. نتایج این بررسی در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

مفهوم و اهداف ارزیابی مشارکتی روستایی
 ارزیابی مشارکتی روستایی عبارت از یک روش‌شناسی تعامل با روستاییان، شامل درک و یادگیری از آنها می‌باشد. این یک فرایند ارتباطی و مجموعه‌ای از اصول و شیوه‌های متنوع است که مشارکت روستاییان در زمینه‌های مختلف را جستجو می‌کند تا تواناییهای آنها را در تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات محیطی ارتقا بخشد. مبنای این روش ابتدا گردآوری سریع اطلاعات بوده و در ادامه سعی می‌کند تا با شناسایی و بسیج گروه‌های مختلف مردم محلی، مشارکت آنان را در مراحل مختلف برنامه‌های توسعه روستایی از تصمیم‌گیری و طراحی پروژه تا اجرا، نظارت و ارزشیابی تشویق نماید. این یک روش یادگیری دوسویه بین محققان و روستاییان است و تلاش می‌کند تا شرایط شناخت اهمیت دانش بومی و زمینه‌های به کارگیری آن را در برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی فراهم سازد. فنون مورد استفاده در این روش بسته به موقعیتهای مختلف فرق می‌کند، به طوری که تا حدود زیادی تابع شرایط، مشکلات و اهداف محلی می‌باشد. بنابراین ارزیابی مشارکتی روستایی، روش

انعطاف پذیر برای سازماندهی مردم در گردآوری و تفسیر اطلاعات در یک محدوده زمانی کوتاه بوده و از هیچ مجموعه استاندارد و غیرقابل انعطافی پیروی نمی‌کند. (Mukherjee, 1993)

ارزیابی مشارکتی روستایی خانواده‌ای از رهیافتها، روشها و رفتارهای گوناگون و متنوع را دربرمی‌گیرد. به طوری که مردم محلی از طریق این روشها توان خود را در بازگو نمودن واقعیتهای زندگی و شرایط خود بهبود می‌بخشد تا حدی که بتوانند بر اساس تحلیلهای خود، شخصاً برنامه‌ریزی نموده، عملیات مربوطه را به اجرا درآورده و نتایج آن را ارزشیابی نمایند. (IDS, 1996). به اعتقاد چمبرز (Chambers, 1992) ارزیابی مشارکتی روستایی یک فلسفه است که بر اساس آن افراد خارج از محیط جامعه مورد نظر نیاز پیدا می‌کنند تا از افراد داخل در ناره محیط و واقعیتهای موجود آن جوامع یاد بگیرند. ضمن اینکه یک سری از روشها برای اجرای تحقیقات مشارکتی و کیفی است. علاوه بر موارد فوق، تعاریف و توصیفهای متعدد دیگری از این روش‌شناسی شده است که همه آنها در موارد ذیل اشتراک نظر دارند.

۱- این روش مشارکتی و انعطاف‌پذیر گردآوری داده‌ها در یک محدوده زمانی کوتاه است.

۲- این روش شناسی نوین در تحقیقات روستایی، از فنون و شیوه‌های گوناگون، عمدتاً دیداری، برای ارائه یک تصویر کامل و واضح از زندگی روستایی و مردم محلی استفاده می‌کند.

۳- در این روش جمع‌آوری سریع و صحیح اطلاعات هدف نهایی نبوده، بلکه فرایندی جهت یادگیری دوجانبه و تواناسازی مردم محلی نیز هست.

۴- یک نکته بسیار مهم و مورد تأکید این روش، ارزشگذاری به دانش و تجربیات بومی و توان تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات در مردم محلی است.

۵- این روش تنها ابزاری برای فراهم کردن اطلاعات مقدماتی مورد نیاز جهت برنامه‌های توسعه روستایی نیست، بلکه به طریق مستقیم (تواناسازی مردم محلی) و غیرمستقیم (گردآوری صحیح، مناسب و بموقع داده‌ها) کمک شایانی به افزایش کارایی این برنامه‌ها می‌کند. در واقع این روش دربرگیرنده دو نوع مشارکت ابزاری^{۲۴} و مشارکت تبدیلی^{۲۵} است.

بنابراین، روش مشارکتی روستایی از طریق به کارگیری اصول، فرایند و فنون مربوطه، اهداف خاصی را تعقیب می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱ مشارکت بیشتر و بهتر روستاییان در برنامه‌های

جدول شماره (۱): مقایسه ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی

ویژگی	ارزیابی سریع روستایی	ارزیابی مشارکتی روستایی
دوره اصلی توسعه روش	اواخر دهه ۷۰ و دهه ۸۰ (۱۹۷۰-۸۰)	اواخر دهه ۸۰ و دهه ۹۰ (۱۹۸۰-۹۰)
محل اصلی بروز نوآوری	دانشگاهها	سازمانهای غیر دولتی NGOs ^۱
استفاده کنندگان اصلی	بنگاههای اعطای کمک، دانشگاهها	سازمانهای دولتی و غیردولتی
منابع کلیدی مورد توجه اولیه	دانش مردم محلی	تواناییهای مردم محلی
نوآوریهای اصلی	روشها	رفتار
شیوه غالب	انتخاب، استخراجی	تسهیلی، مشارکتی
اهداف ایده‌آل	یادگیری توسط افراد خارج از جامعه	تواناسازی مردم محلی
سبک ابزارها	کلامی، مصاحبه، بحث	دبدراری (مشارکتی)
نقش افراد خارج از جامعه	بررسی‌کننده یا جستجوگر	آغازگر، تسهیل‌گر
نقش افراد داخل جامعه	پاسخگو	ارائه‌کننده، تحلیل‌گر، برنامه‌ریز
بازده‌های بلندمدت	برنامه، پروژه‌ها، انتشارات	مؤسسات و عمل محلی پایدار
متقاضیان روش	سازمانهای اعطاکننده کمک (Donor Organization)	افراد داخل جامعه (به صورت ایده‌آل یا آرمانی)

1- Non-Governmental Organizations

company, New Delhi.

- 13- Pretty, J.N., Vodouhe, S.D., "Using rapid or participatory rural appraisal", in Swanson, B.E., Bentz, R.P., Sofranko, A.J., (eds), Improving agricultural extension, A reference manual, FAO, Italy.
- 14- Rhoades, R., 1990, "The coming revolution in methods for rural development research", Mimeo, Manila, Philippine: User's perspective Network international potato center (Cited in: Pretty, et al., 1997).

پی نوشتها:

- 1- Top-Down Approach
- 2- Communication Gap
- 3- Indigenous Knowledge
- 4- Conventional Approach
- 5- Appropriate Research Methodology
- 6- Inter-Disciplinary Perspective
- 7- Methodological Pluralism
- 8- Bilateral Dialogue
- 9- Flexibility
- 10- Participatory Methods
- 11- Insiders-Outsiders Relationship
- 12- Survey Method
- 13- Exogenous Approach
- 14- Rural Development Tourism
- 15- Spatial Biases
- 16- Time Biases
- 17- People Biases
- 18- Project Biases
- 19- Farming System Research (FSR)
- 20- Exploratory Survey
- 21- Rapid Rural Appraisal
- 22- Participatory Rural Appraisal
- 23- Indigenous Technical Knowledge (ITK)
- 24- Instrumental Participation
- 25- Transformational Participation
- 26- Cross-Checking
- 27- Slum Development
- 28- Disaster Management

- 5- Feyera, A., Yewbdar, H., Kebede, A., 1997, "A comparative analysis of participatory approaches", The society for participatory development in ethiopia (SPADE), Addis Ababa.
- 6- Fowler, F.J., and Mangione, T.W., 1990, "Standardized survey interviewing: Mininizing interviewer-related error", Applied social research methods series, Volume 18, Newbury Park, CA: Sage publications (Cited in: Pretty, et al., 1997).
- 7- Gill, G., 1993, "OK, the data's lousy, but it's all we've got (being a critique of conventional methods)", Sustainable agricultural programme, Gatekeeper series SA38, London, and IIED (Cited in: Pretty, et al., 1997)
- 8- Grady M. and Theis, 1991, "Participatory rapid appraisal for community development", Training manual based on experiences in the Middle East and North Africa, IIFD, London (Cited in: Feyera, et al., 1997).
- 9- Institute of development studies (IDS), 1996, "The power of participation", IDS policy briefing issue 7, UK.
- 10- Khon, Kaen University, 1987, "Proceedings of 1985 international conference on rapid rural appraisal, rural system research and farming systems research projects", Khon kaen University, Khon Kaen, Thailand (Cited in: Mukherjee, 1993).
- 11- Mikkelsen, B., 1997, "Methods for development work and research; A guide for practitioners", Sage Publication Ltd., New Delhi.
- 12- Mukherjee N., 1993, "Participatory rural appraisal; Methodology and applications", Studies in rural participation-1, Concept publishing

- توسعه روستایی از طریق شناخت و به کارگیری تجربیات، ادراکات، تواناییها و دانش آنها.
- ۲- گردآوری داده‌ها و تولید اطلاعات برای استفاده‌های فوری و آینده
- ۳- درک و شناخت اثرات سیاستها و برنامه‌های گذشته، در دست اجرا و یا تنظیم برنامه‌ها و سیاستهای آینده
- ۴- افزایش اعتبار داده‌های گردآوری شده از طریق "واری موازی"^{۲۶} با اطلاعات حاصله از سایر روشهای دیگر (Mukherjee, 1993)

کاربرد روش ارزیابی مشارکتی روستایی این روش که در دهه اخیر با سرعت زیادی فراگیر شده، در حال حاضر توسط حدود ۱۰۰ کشور به کار گرفته شده (بر اساس اطلاعات سال ۱۹۹۶) و حیطه عمل آن از مسائل روستایی به توسعه امور شهری نیز گسترش یافته است. برخی از زمینه‌های کاربردی آن عبارت‌اند از؛ مدیریت منابع طبیعی، توسعه حاشیه نشینان و زاغه‌نشینان شهری^{۲۷}، آگاهی و عمل در برابر بیماری ایدز، برنامه‌های فقر و محرومیت زدایی، مدیریت بحرانها و سوانح^{۲۸} (مانند زلزله، سیل و ...) و سوادآموزی بزرگسالان. (IDS, 1996)

منابع و ماخذ:

- 1- Chambers & Guijt, 1995, "PRA- Five years later where are we now?", Forest, trees and people Newsletter, No. 26/27.
- 2- Chambers, R., 1992, "Rural appraisal: Rapid, Relaxed and Participatory", IDS, Discussion Paper 311, Brighton: IDS.
- 3- Chambers, Robert, 1991, "In search of professionalism, bureaucracy and sustainable livelihoods for the 21st century", Typescript, IDS, Sussex, 28 May (Cited in: Mukherjee, 1993).
- 4- Chambers, R., 1983, "Rural development: Putting the last first", London, Longmans, (Cited in: Pretty et al., 1997)